قتل مرد بازنشسته در تیراندازی مرموز

مردی بازنشسته که برای ورزش به بوستانی در خیابان پاسداران تهران رفته بود، هدف سلاح ساچمه‌زنی قرار گرفت و به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ظهر چهارشنبه بیست‌ودوم فروردین امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و اطلاع داد که دوست ۸۲ ساله‌اش مقابل چشمان آنها هدف شلیک تیر ساچمه‌ای قرار گرفته و در بوستان فوت کرده است. در ادامه ماموران کلانتری پاسداران برای بررسی ماجرا به آنجا اعزام شده و مشاهده کردند که ماجرا صحت دارد.

این پیرمرد بر اثر تیر سلاح ساچمه‌ای که به ناحیه سرش اصابت کرده، در همان جا فوت کرده است. ماموران به تحقیق از دوستان او پرداختند که معلوم شد همیشه برای تفریح و پیاده‌روی به این بوستان در نزدیک خانه‌شان می‌آمده که آن روز این حادثه تلخ برایش رقم می‌خورد. هرچه اطراف را جست‌وجو کردند نفهمیدند فرد تیرانداز چه کسی بوده و بعد ماجرا را به خانواده پیرمرد و پلیس اطلاع داده‌اند.

با جمع‌بندی این اطلاعات، ماموران از خانواده مقتول هم تحقیق کردند که مشخص شد او بازنشسته بوده و هر روز برای تفریح و ورزش به پارک می‌رفته و با کسی هم اختلاف و درگیری نداشته است.

محمدجواد شفیعی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با دستور قضایی تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای شناسایی و دستگیری قاتل فراری آغاز و قرار شد دوربین‌های مداربسته را بازبینی کنند تا ردی از تیرانداز به دست بیاید.

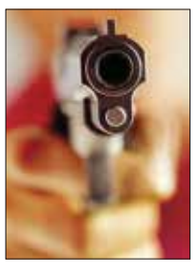

گزارش «جام‌جم» از پشت پرده جرایم جدید سلبریتی‌های قمارباز

باخت بزرگ سایت‌های شرط‌بندی

مجید غمخوار
دبیر گروه حوادث

سلبریتی‌های قمارباز تا شش ماه قبل در بهشت خودساخته‌شان در ترکیه با پول‌های قمار برای خود پادشاهی می‌کردند و هر روز با باخت هزاران جوان در سایت‌های شرط‌بندی، پول روی پول می‌گذاشتند و زندگی لاکچری خود را در اینستاگرام به رخ مردم می‌کشیدند. تمام صفحات مجازی و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور پایگاه تبلیغ‌شان شده بود و با بمباران تبلیغاتی افراد را ترغیب به فعالیت در سایت‌های‌شان می‌کردند تا بتوانند جیب آنها را خالی و جیب خودشان را پر کنند. برای گردانندگان سایت‌های قمار و سلبریتی‌های مجازی تبلیغ‌کننده آنها همه چیز خوب پیش می‌رفت تا این‌که پلیس ترکیه تصمیم به برخورد قاطع با آنها گرفت و کاخ رویایی آنها در چند روز تبدیل به ویرانه‌ای کامل شد. حالا با دستگیری سر شبکه‌های تبلیغ سایت‌های قمار، ردپای تعدادی از آنها در پرونده‌های قاچاق انسان و پولشویی هم دیده می‌شود و آنها را در برابر اتهاماتی سنگین قرار داده است. به گفته قربانی یکی از شاخ‌های مجازی در ترکیه، این متهم با قاچاق‌برها هم همکاری داشت و باگرفتن پول از ایرانیان آنها را به قاچاق‌برها معرفی می‌کرد.

برخورد با قماربازان از چه زمانی شروع شد؟

روز دهم بهمن ماه بود که پلیس ترکیه طرح برخورد با گردانندگان و مافیای شرط بندی ایران را آغاز کرد و دهم بهمن ماه به خانه شاخ مجازی، مسعود ترکیبی در استانبول رفت و او را دستگیر کرد. محمد کاظم، معروف به مسعود ترکیبی با مخلوط کردن مواد غذایی مختلف در فضای مجازی به شهرت رسید و خیلی زود پدرخوانده قمار او را جذب و به ترکیه سفر کرد. این فرد شروع به تبلیغ سایت شرط بندی و ترغیب افراد برای زندگی در ترکیه کرد که خط پایان جولان او، عملیات پلیس ترکیه بود که با دستگیری‌اش، صفحه اینستاگرام او با چند میلیون دنبال‌کننده برای همیشه بسته شد و او با شش مجرم اقتصادی دیگر به ایران استرداد شد.

لغو تابعیت پدرخوانده قمار

همیشه پشت صحنه بود و چهره‌های مجازی برایش کار می‌کردند اما در اواخر دهه ۹۰ هویتش فاش و مشخص شد سرکرده مافیای قمار، شرط‌بندی و سایت‌های پیش‌بینی فوتبال کسی نیست جز سعدا... امیرشقاقی، مردی که در ترکیه با میلیون‌ها دلار در خانه لاکچری زندگی کرده و به کمک پسرش ملقب به مونتیگو افراد را جذب و به اهدافش که پول‌های بادآورده قمار است، می‌رسید. او مدعی بود دادستان و پلیس استانبول دوستان او هستند و هیچ اتفاقی برایش رخ نمی‌دهد. عکس‌های پدرخوانده قمار ایران در کنار خودروهای گران‌قیمت، ویلاهای لاکچری و قایق‌های تفریحی منتشر می‌شد و او در حال فریب جوانان بود. سرانجام پلیس ترکیه این فرد را در حالی که در ازمیر مخفی شده بود دستگیر کرد و بلافاصله تابعیت او لغو و اقدامات برای استرداد او انجام شد تا سرکرده سایت‌های شرط بندی به ایران بیاید و محاکمه شود.

داوود هزینه دریک قدمی استرداد

چندی قبل بود که فیلم دستگیری داوود هزینه یکی از گردانندگان سایت‌های شرط بندی از سوی پلیس ترکیه منتشر شد.

این سلبریتی مجازی هم با زنان و دختران زیادی فیلم و مهمانی می‌گرفت تا معروف شود و بعد از معروفیت جذب مافیای شرط بندی و به یکی از گردانندگان سایت تبدیل شد. پلیس بالاخره او را دستگیر کرد تا او هم در صف استرداد قرار بگیرد. پلیس ترکیه با تحقیقات روی این پرونده اعلام کرد که اتهام داوود هزینه، قاچاق انسان، پولشویی و فعالیت در سایت‌های شرط بندی است و به همین خاطر تحت تعقیب پلیس بین‌الملل قرار گرفته و پس از دستگیری، پرونده او بررسی و احتمالا به‌زودی به ایران استرداد می‌شود. فیلم لحظه درگیری داوود هزینه این روزها در فضای مجازی سروصدای زیادی کرده است.

پایان جولان سلبریتی‌های قمارباز

با دستگیری پدرخوانده سایت‌های قمار و شرط بندی، داوود هزینه، مسعود ترکیبی، میلاد حاتمی و حتی بازگشت تتلو به ایران این روزها وارد دوران رکود سایت‌های شرط بندی هستیم و دیگر تب‌وتاب تبلیغات آنها در فضای مجازی خوابیده است. جوانان بسیاری هم با دستگیری این افراد اعتمادشان را از دست داده‌اند و پول‌های خود را از سایت خارج و جذب آنها بسیار کم شده است، به صورتی که با بونوس ویژه و تخفیفات و جوایز ویژه سعی دارند افراد را ترغیب به فعالیت کنند. بسیاری از جوانان از ترس این‌که امکان دارد هر لحظه با دستگیری صاحب سایت سرمایه‌شان در سایت از بین برود، دیگر به سمت این سایت‌ها نمی‌روند تا دوران رکود این سایت‌ها آغاز شود. از سوی دیگر تبلیغات این سایت‌ها هم در فضای مجازی کاهش پیدا کرده است. آنها می‌دانند فعالیت در این سایت‌ها سرانجامی جز دستگیری و استرداد به ایران ندارد.

عدلیه

راز شکنجه مرگبار مرد معتاد در کمپ وحشت

مسئول یک کمپ غیرمجاز و هشت کارگر او که باعث مرگ مردی در آنجا شده بودند، بازداشت شدند. درتحقیقات اولیه معلوم شد آنها معتادان را بعد از ترک آزاد نمی‌کردند تا از خانواده‌های‌شان پول بیشتری بگیرند.

به گزارش خبرنگار «جام‌جم»، شامگاه چهارشنبه بیست‌ودوم فروردین امسال دو مرد که سرنشینان خودرویی بودند با توقف مقابل بیمارستانی در غرب تهران، مرد جوانی را از خودرو بیرون آورده و به اورژانس منتقل کرده و برای نجات او کمک خواستند که مشخص شد، فوت کرده است. بنابراین مانع خروج این دو نفرشده و با حضور مأموران کلانتری کن در بیمارستان مشخص شد، آنها مرد مصدوم را از یک کمپ ترک اعتیاد به آنجاانتقال دادند.

با شناسایی پدر مرد فوت شده، او در اظهاراتش گفت: پسرم معتاد بود و او را به کمپی در کن آوردیم تا آنجا بستری شود و ترک کند. مبلغی هم پرداختیم. هنوز یک روز از بستری شدن او نگذشته بود که مسئولان کمپ به ما اطلاع دادند چون مصرف مواد پسرمان زیاد بوده بد حال شده و فوت کرده است.

این در حالی بود که بازپرس جنایی و تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به محل کمپ در کن تهران رفتند. معلوم شد که این کمپ غیرمجاز بوده است. ۶۰ نفرهم از یک سال قبل در این کمپ بستری بودند.

مأموران در کمپ فیلمی ۱۵ دقیقه‌ای یافتند که در آن، مدیرکمپ و هشت کارگر او با چوب و چماق و میله آهنی به جان آن جوان افتاده و شکنجه‌اش دادند. آنها در بازجویی اولیه مدعی بودند، چون مرد معتاد بی‌قراری می‌کرده و همه چیز را به هم می‌ریخته، کتکش زدند تا آرام شود.

یکی از معتادان حاضر در کمپ هم در تحقیقات گفت: یک سال است برای ترک اعتیاد در این کمپ هستم. سه ماه است ترک کرده‌ام اما مسئولان کمپ به زور مرا زندانی کرده و اجازه خروجم را نمی‌دهند. ما را مجبور می‌کردندکه با هم دعوا کنیم یا این‌که وسایل اتاق‌ها را بشکنیم و آنجا را به هم بریزیم. از این رفتار فیلم می‌گرفتند و به خانواده‌های‌مان نشان داده و می‌گفتند ما هنوز ترک نکردیم و خطرآفرین هستیم و باید تا چند ماه دیگر بمانیم. بقیه معتادان مشغول به ترک هم گفته‌های او را تأیید کردند.

محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به «جام‌جم» گفت: معتادانی که حال‌شان بهتر شده و نیاز به بستری در کمپ نداشتند، نزد خانواده‌های‌شان بازگشتند. افراد دیگر به کمپ قانونی منتقل شدند. کمپ مربوطه چون غیرمجاز بود، پلمب شد. بابت مرگ مرد معتاد در کمپ نیز مسئول کمپ و هشت نفر دیگر که برای او کار می‌کردند، به اتهام مشارکت در قتل، بازداشت شدند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

پیگیری

خودکشی پدر، پس از قتل ناخواسته پسر

شلیک اشتباهی گلوله توسط پدر در حالی جان پسر پنج ساله‌اش در ساربوک شهرستان قصرقند استان سیستان و بلوچستان را گرفت که دقایقی بعد پدر نیز به دلیل عذاب وجدان ناشی از این اقدام سهوی، با شلیک گلوله به زندگی خود پایان داد.

محمد فولادی ۲۹ ساله بود که خبر مرگ ناگهانی‌اش، اهالی ساربوک را متعجب و حیران کرد. به گفته یکی از بستگان نزدیک این مرد که همسایه دیوار به دیوار اوست، شب حادثه او صدای شلیک گلوله را شنید. این مرد در توضیح حادثه به جام‌جم می‌گوید: «چند روز پیش شام خورده بودیم و داشتیم برای خواب آماده می‌شدیم که یکدفعه همسر و مادر همسر محمد هراسان به خانه ما آمدند و گفتند محمد پسرمان را با گلوله کشت، اما آن موقع ما صدای هیچ گلوله‌ای به گوش‌مان نخورد. من که از شنیدن این خبر وحشت‌زده شده بودم، همراه آنها به سمت خانه‌شان حرکت کردم که یکدفعه صدای شلیک گلوله آمد. قدم‌های‌مان را تندتر کردیم. وقتی به خانه رسیدیم به اتاق محمد رفتم، اما قفل بود و مدام می‌گفتم محمدجان در را باز کن در را باز کن، اما هرچه او را صدا زدم، جواب نداد. بعد از باز کردن در، متاسفانه متوجه مرگ محمد و پسر کوچکش ضیا شدیم. گویا در زمان تمیز کردن اسلحه کلتش، دستش روی ماشه رفته و گلوله‌ای به سر ضیا شلیک شده که جانش را گرفته بود. محمد هم که از مرگ پسرش وحشت کرده بود، با شلیک گلوله به زندگی‌اش پایان داد. وقتی بالای سر جنازه‌ها رسیدم، نمی‌دانستم باید چه کنم و به شدت هول کرده بودم. کمرمان از این ماجرا خم شد و هضم آن بسیار سخت است. کم‌کم وقتی اهالی از موضوع باخبر شدند، همه جا شلوغ شد و بعد جنازه‌ها را بردند.»

او ادامه می‌دهد: «محمد با این‌که به دلیل بیماری جسمی دارو مصرف می‌کرد، اما هیچ مشکلی با همسرش نداشت، ولی متاسفانه این سهل‌انگاری منجر به یک فاجعه شد. با این‌که چند روز از این فاجعه می‌گذرد، اما هنوز هم در شوک هستیم و بسیاری از اقوام و دوستان محمد از این حادثه دردناک متاثر هستند. ضیاء تنها فرزند محمد بود که از دست رفت و پدرش هم نتوانست داغ این اشتباه را تحمل کند و متاسفانه جان خودش را هم گرفت.»

تحقیقات پلیسی - قضایی درباره این تیراندازی ادامه دارد.

محکمه

رهایی از قصاص به خاطر قتل ۲ کودک در عروسی

مرد میانسال که به خاطر رسم غلط در جریان تیراندازی در مراسم عروسی پسرش باعث مرگ دو کودک شده بود، برای دومین بار از اتهام قتل عمدی تبرئه و به پرداخت دیه محکوم شد. پدر و مادر این دو کودک برای متهم درخواست قصاص کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار «جام‌جم»، تحقیقات جنایی در این پرونده از تیر ماه سال ۱۴۰۰ و با گزارش تیراندازی خونین در یک جشن عروسی در ملارد آغاز شد. با حضور مأموران در محل مشخص شد، چهار نفر از جمله دو کودک در این حادثه زخمی شده بودند. دریا و نوید، دو کودک مجروح، به بیمارستان برده شدند و در آنجا مشخص شد هر دو جان خود را از دست داده‌اند اما پدر دریا و مادر نوید از مرگ نجات پیدا کردند.

پدر داماد بازداشت شد. او به مأموران گفت: من براساس رسمی که داریم در عروسی پسرم شلیک کردم و هدفم قتل کسی نبود.

با این حال مرد میانسال به زندان منتقل و پرونده به شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده پدر دریا و مادر نوید به‌عنوان اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کردند و گفتند حاضر به گذشت نیستند.

سپس متهم در جایگاه قرار گرفت. او گفت: من اتهام قتل عمدی را قبول ندارم و از اتفاقی که افتاده بسیار پشیمان هستم. طبق رسم، داشتم شادی می‌کردم که این اتفاق افتاد. ما خصومتی با هم نداشتیم و شکات خودشان هم می‌دانند تیراندازی در عروسی، رسم است و من به خاطر رسم، این کار را کردم اما متأسفانه گلوله به آنها برخورد کرد.

با پایان جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند و متهم را به خاطر قتل شبه‌عمد به پرداخت دیه محکوم کردند اما این رأی مورد اعتراض اولیای دم قرار گرفت و پرونده به دیوان عالی کشور رفت.

در جلسه دیوان عالی کشور قضات اعتراض اولیای دم را قبول کردند و گفتند با توجه به این‌که آلت قتل کشنده بوده بنابراین متهم به عمل خود آگاه بوده است به این ترتیب رأی صادره نقض و پرونده به منظور رسیدگی مجدد به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.

متهم در آخرین روزهای سال گذشته برای دومین بار پای میز محاکمه قرار گرفت. در این جلسه هم اولیای دم درخواست قصاص متهم را مطرح کردند. وکیل اولیای دم دختربچه در تشریح ماجرا گفت: این پرونده برای بررسی اقدام نابخردانه متهم تشکیل و در آن دو کودک کشته شدند. متهم مدعی است به خاطر مصرف مسکرات اراده نداشته است. درحالی که این ادعا در دادسرا بررسی و علم و آگاهی کامل وی محرز شد. متهم همچنین عدم قصد فعل را مطرح کرده، درحالی که براساس بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، اقدام نوعا کشنده عمدی تعریف شده و مجازاتش قصاص است.

سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و در دفاعیاتش اظهارکرد: در مرگ این دو کودک و تیراندازی، هیچ عمدی نداشتم. عروسی پسر، یکی از بهترین شب‌های زندگی یک پدر است. کدام پدری راضی می‌شود این شب را به عزا تبدیل کند. قبل از تیراندازی مشروب خورده بودم و نفهمیدم چه شد.

پس از دفاعیات متهم، قضات وارد شور شده و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده، متهم را از اتهام قتل عمدی تبرئه و به خاطر قتل شبه‌عمد به پرداخت دیه کامل دو کودک و همچنین دیه جراحت‌های وارد شده به زن و مرد زخمی محکوم کردند.

جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ شماره ۶۷۳۹

تلنگر

مرگ قربانی ۶ ماهه قتل عام خانوادگی

با گذشت یک هفته از قتل سه نفر از اعضای یک خانواده در روستای قم‌قلعه شهرستان مهاباد در استان آذربایجان غربی و در حالی که فرزند کوچک آنها نیز به‌دلیل شدت جراحات وارده در بیمارستان بستری بود، دیروز خبر رسید که «میران» نوزاد شش ماهه این خانواده نیز جانش را از دست داده تا آمار مقتولان این قتل عام خانوادگی هولناک به چهار نفر برسد.

با این‌که چند روز از قتل عام خانوادگی خانواده بهمن ماندگار لنگرودی می‌گذرد، اما به جز دستگیری دو مظنون، هنوز عاملان اصلی دستگیر نشده و علت این قتل همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. روز جنایت، سه نفر که گفته می‌شود سروصورت‌شان را با پارچه پوشانده بودند تا شناسایی نشوند، به خانه بهمن رفتند و بی‌محابا تمام اعضای خانواده شامل بهمن، همسر و مادرش و فرزند شش ماهه‌اش را به گلوله بستند و پس از سرقت تمام مدارک شناسایی از محل جنایت گریختند. افراد بزرگسال خانواده همگی در دم به قتل رسیدند، اما میران شش ماهه برای انجام عمل جراحی به بیمارستان منتقل شد. پریسا محمدی عمه میران به جام‌جم گفته بود که قرار است میران جراحی شود اما چند روز بعد خبر فوت میران را به ما داد.

او به جام‌جم گفت: قرار بود میران جراحی شود اما پزشکان گفتند شرایط جسمی او به گونه‌ای نیست که قادر به تحمل جراحی باشد و وضعیت او وخیم است. سپس برادرزاده‌ام را به بیمارستان امام خمینی در ارومیه منتقل کردند اما متاسفانه عمر او به دنیا باقی نبود و صبح روز پنجشنبه خبر مرگ او را اعلام کردند. روزهای بسیار تلخی را می‌گذرانم. امیدوار بودم میران از مرگ نجات پیدا کند اما او هم فوت کرد. فقط می‌خواهم کسانی که بی‌رحمانه مرتکب این جنایت شدند، بدانند که با این قتل و خونریزی چه به روزگار خانواده ما آوردند. تحمل دیدن خانه برادرم را ندارم و آزارم می‌دهد. بچه شش ماهه چه گناهی داشت که او را هم کشتند. قاتلان برادرم هنوز دستگیر نشده‌اند و پلیس همچنان در حال تحقیق روی این پرونده است.

۲ سال زندگی مخفیانه قاتل افغان

پسر ۲۳ ساله تبعه افغانستان که به اتهام قتل هموطنش بازداشت شده بود اعتراف کرد دو سال در قندهار، اسلام‌آباد و قشم زندگی مخفیانه داشته است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، مرد جوان تبعه افغانستان که سرایدار برجی در محله دربند تهران بود شامگاه بیست‌وهفتم مرداد سال ۱۴۰۱ در اتاق سرایدار با ضربه‌های چاقو کشته شد. در ادامه متهم به قتل به نام انور که هموطنش بود، در قشم بازداشت شد و به قتل به دلیل دعوا و فحاشی اعتراف کرد.

متهم به قتل به اتهام مباشرت در قتل عمدی در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات پلیسی از او ادامه دارد.

در حاشیه جلسه بازپرسی فرصتی به خبرنگار ما دست داد تا با فرشاد ۲۳ ساله گفت‌وگو کند که در ادامه می‌خوانید.

چه زمانی به ایران آمدی؟

در سال‌های گذشته پنج بار برای کار آمدم که ششمین بار مرتکب قتل شدم.

از آشنایی‌ات با مقتول بگو؟

با اقوام مقتول آشنا بودم و آنها در افغانستان همسایه پدری‌ام بودند. چند ماه قبل از قتل با این خانواده بر سر مسائل مختلفی از جمله کشاورزی اختلاف داشتم. آنها مرا کتک زده بودند که از آنها شکایت کردم و بازداشت و زندانی شدند. آن قدر خانواده‌ها آمدند و رفتند که مجبور شدم رضایت دهم تا آزاد شوند. شکایتم به گوش - فرهاد - مقتول رسیده و از کارم ناراحت بود. او به من فحاشی کرد. سراغش رفتم. هر چه به فرهاد گفتم با تو اختلاف ندارم چرا به من توهین و فحاشی می‌کنی می‌گفت تو با اقوامم درگیر و باعث شدی آنها بازداشت شوند و باید از تو انتقام بگیرم. دوباره نسبت به من و خانواده‌ام فحاشی کرد و ناسزا گفت. عصبانی شدم و با چاقویی که داشتم فرهاد را زخمی کرده و فرار کردم.

بعد از قتل کجا رفتی؟

۱۰ دقیقه بعد به یکی از دوستانم زنگ زدم و خواستم فرهاد را به بیمارستان برساند. چهار روز بعد با تماس یکی از دوستانم فهمیدم فرهاد مرده است. می‌دانستم خانواده و اقوام او دنبالم می‌آیند. به قندهار رفتم. مخفیانه کار و زندگی می‌کردم.

مخفیگاهم لو رفت و به عنوان نگهبان در برجی در اسلام‌آباد پاکستان که افراد مهم و پولدار ساکن بودند مشغول کار شدم و چند ماه بعد به قشم آمدم که در اینجا دستگیر شدم.

چرا چاقو حمل می‌کردی؟

برادری داشتم که ۱۰ سال از من کوچکتر بود، در ۱۵ سالگی با پسریکی از همسایه‌ها دعوا کرد و با ضربه سنگ به قتل رسید. از ترس برای دفاع از خودم چاقو خریدم و همراه داشتم.